

نقش تهذیب نفس در کمال انسان مبتنی بر دیدگاه ملاصدرا

طاهره بابازاده: کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه اصفهان
رضاعلی نوروزی: استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

چکیده

تأثیر خاصی که تهذیب نفس در ارتباط با انسان و کمال وی دارد، بر ساختار وجودی نفس انسانی مبتنی است. به این نحو که انسان موجودی جسمانی الحدوث و روحانی البقا است. واقعیت وجودی نفس انسان در ابتدای خلقت در عالم ماده، همراه با نقایصی است و با حرکت جوهری در طول زمان به تدریج مستعد نائل شدن به کمال نهایی خویش می‌گردد. انسان برای نیل به کمال نفس انسانی باید از مراتبی گذر کند. بین انسان و کمالش فاصله‌ای هست که شامل موانع و حجب مختلف وجودی است و انسان برای نیل به کمالش باید که حجب مذکور را رفع نماید. در این باره از جمله عواملی که موجبات ارتقای نفس انسانی را از عالم ماده به سمت کمال وی مهیا می‌نماید عامل بنیادی تهذیب نفس است. تهذیب نفس موانع و حجاب‌هایی که بر سر راه نیل به کمال خاص انسانی است رفع می‌گرداند. برای انسان آن وقت کمال حقیقی تحصیل می‌گردد که دو نیروی الهی عقل نظری و عقل عملی به ودیعه نهاده شده در وجود او، به کمال خود برسند. تهذیب نفس در رابطه با کمال نفس انسانی در عین لزوم کافی نیست و شرایط دیگری را نیز می‌طلبد.

کلیدواژه‌ها: ملاصدرا، تهذیب نفس، کمال

مقدمه

بحث از کمال انسانی موضوع جدیدی تلقی نمی‌گردد و دارای قدمت بسیار در آرا و نظریات بزرگان علم و فلسفه بوده است.

حکیم ملاصدرا شیرازی، از جمله کسانی است که با در نظر گرفتن مراتب نفس، تجرد عقلانی نفس را به عنوان دیدگاهی در باب کمال انسانی مطرح ساخته است و عقل را مبنای کمال انسانی می‌داند.

صدرالمتالهین می‌گوید نفس از نظر مقامات و درجاتی که ممکن است در طول سالها بدان نائل گردد دارای دو مرحله است: یکی مرحله ابتدایی و دیگری مرحله نهایی. نفس در مرحله ابتدایی جوهری است مادی و طبیعی که از درجه ماده و طبیعت جسمانی نمودار می‌گردد و در نهاد ماده تکوین می‌گردد و به تدریج به موازات ماده راه کمال را می‌پیماید (صدرالمتالهین شیرازی، ترجمه مصلح، ۱۳۵۲: ۷).

از نظر ملاصدرا و با توجه به این که انسان دارای نفس و جسم است، انسان به وسیله حرکت جوهری از دو نوع تکامل برخوردار است:

۱- تکامل مادی و جسمانی بدن که به رشد و کمال بدن کمک می‌کند و سرانجام به پیری و مرگ می‌رسد.

۲- تکامل نفس و روح که غیر مادی است و در درون و همراه بدن انجام می‌گیرد و نفس یا خود انسانی را می‌سازد (صالحی، ۱۳۸۵: ۱۰۹ / خامنه‌ای، ۱۳۸۰: ۳۹).

توضیح آنکه ملاصدرا می‌گوید که نفس در حدوث و تصرف، جسمانی است، یعنی در آغاز حدوث همان بدن مادی است ولی در بقا و تعقل روحانی است (خواجوی، ۱۳۶۶: ۸۶). او معتقد است همانطور که هر جوهری در ذات خود، متحرک است، نفس نیز به عنوان یکی از انواع جواهر، دارای این نوع حرکت است و از پایین‌ترین مراتب خود، یعنی بدن به سوی کمال جوهری خود، حرکت می‌کند تا اینکه به تدریج با بالاترین مراتب جوهری خود، ارتقا می‌یابد (زکوی، ۱۳۸۴).

نقش تهذیب نفس در کمال انسان مبتنی بر دیدگاه ملاصدرا / ۳

نفس انسانی به قوه عامله و قوه عالمه منقسم می‌گردد. قوه عامله که آن را عقل عملی می‌گویند قوه ای است که متکفل تدبیر بدن است و کمال این قوه در این است که بر سایر قوای حیوانیه مسلط بوده و مقهور آنها نگردد، بلکه آنها را بر طبق نظر قوه عالمه و عقل نظری به کار گمارد. قوه عالمه که عقل نظری نیز خوانده می‌شود قوه ای است که تصورات و تصدیقات را ادراک می‌کند و حق و باطل را در مورد آنچه که تعقل و ادراک می‌کند تشخیص می‌دهد (صدرالمتالهین شیرازی، ترجمه مصلح، ۱۳۵۲: ۴۹-۴۸).

پس عقل نظری باید همواره ارتباط و علاقه خود را به عالم عقول و مفارقات حفظ کند و دائما متوجه عالم عقلانی بوده تا ملکه اتصال به عقل فعال حاصل گردد.

نفس انسانی در آغاز امر، نسبت به علوم و معارف از هر جهت بالقوه بوده و او در این حال عقل هیولانی نامند. سپس به واسطه درک اولیات به مرتبه عقل بالملکه و به واسطه درک کلیات و قدرت بر تفکر و تعقل و استنباط، به مرتبه عقل بالفعل نائل می‌گردد ولی در این حال هنوز به درجه ای نرسیده است که همواره مستحضر کلیه صور عقلیه و ملازم جمیع مسائل علمیه باشد. بلکه ادراک صور عقلیه و استنباط مسائل کلیه در این حال بسته به اراده نفس و توجه اوست بدون احتیاج به فکر و نظر، ولی هنگامی که به طور کلی و دائمی متوجه عالم عقول کلیه گردید و اتصال کامل یافت و حقایق را به چشم ملکوتی در ذات خویش و یا در ذات مبدا عقلانی خود مشاهده کرد، آن را عقل بالمستفاد نامند. و در این هنگام، این نوع از حیوان که در پیکر و قالب انسان ظهور نموده به نهایت درجه کمال انسانی نائل گردیده است (صدرالمتالهین شیرازی، ترجمه آشتیانی، ۱۳۴۰: ۵۲۲-۵۱۹).

حال در راستای رسیدن به کمال انسانی همواره حجاب‌ها و موانعی بین نفس و حقیقت وجود دارد که آن را از وصول به کمال نفس که همانا مجرد عقلانی است باز می‌دارد. در این میان در کنار عوامل بسیاری که نفس را در راه رسیدن به کمال یاری می‌رسانند تطهیر، تزکیه و تهذیب نفس از اهمیت بسیاری برخوردار است.

با توجه به مطالب پیش گفته، مسئله اصلی این پژوهش نقش تهذیب نفس در کمال نفس انسان مبتنی بر دیدگاه ملاصدرا و درصدد پاسخ‌گویی به این سوالات است که:

- ۱- تهذیب نفس چه نقشی در برطرف نمودن حجاب‌های بین نفس و حقیقت دارد؟
- ۲- تهذیب نفس از چه طریقی نفس را در رسیدن به کمال یاری می‌رساند؟

حجاب‌های میان نفس و کمال آن

هر قلبی بالفطره صلاحیت معرفت حقایق و وصول به کمال را دارد اما عواملی نفوس انسانی را از معرفت حقایق امور باز می‌دارد که عبارتند از:

نقص نفس: وقتی که هنوز ذات نفس ناقص است، چون نفوس کودکان و ابلهان که صور معلومات در آن نمی‌تواند تجلی یابد؛ چون نفس هنوز کیفیت کامل خود را نیافته است و کمبود دارد و هنوز از مرحله قوه به فعل نرسیده و ریاضت‌ها و مجاهدت‌های فکری، عملی، دینی و عقلی را انجام نداده است.

گناه و شهوات: رویه‌ی قلب را چرک‌ها و کدورت‌های گناهان و زیادی شهوت‌ها و اقدام به خطایا پوشانده است که این امر مانع صفا و جلای آن گشته و به هر مقدار که انباشتگی آن‌ها بیشتر باشد مانع بیشتری در ظهور حق در آن و شهود حقیقت برای آن خواهد بود (اسدی، ۱۳۸۶: ۳۳۵-۳۳۳).

حب دنیا: اگر قلب در جهت حقیقت مورد نظر قرار نداشته باشد و از سوی آن منحرف باشد، جلوه‌ی حق در آن آشکار نخواهد بود؛ چون به سوی حق نظر ندارد و چه بسا تمامی توان خود را در راه طاعت‌های بدنی و یا تهیه‌ی اسباب زندگی دنیا به کار می‌گیرد و فکر خود را به تامل در حقائق حق الهی صرف نمی‌کند؛ در نتیجه چیزی از حقایق بر او منکشف نمی‌گردد، چراکه در عالم محسوسات و امور دنیوی توقف کرده و چیزی جز امور همین سطحی بر او کشف نمی‌گردد. بنابراین حب دنیا سرمنشا کدورت‌ها و گمراهی بسیار است (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۶۵، ترجمه بیدارفر: ۹۵).

وقتی شناخت انسان به عالم طبیعت محدود به دنیا و محسوسات باشد و فراتر از این معرفتی برای وی حاصل نگردد همه تلاش‌های او در حفظ و توسعه مطلوبات دنیایی صرف می‌شود. از ترقی و کمال وجودی اش باز می‌ماند. در چنین موقعیتی نفس صرفاً به امور بدنی و جسمانی مشغول شده و از اصالت بخشیدن به بعد معنوی و نفس خویش باز می‌ماند. این جاست که گرفتار آفات و بیماری‌های اخلاقی چون حرص و آز، نخوت و کبر، رشک و حسد خواهد شد. ملاصدرا پستی‌های دنیا را نشأت گرفته از این سه رذیله می‌داند (صدرالمতالهین شیرازی، ۱۳۷۱، ترجمه خواجوی: ۱۰۸۲-۱۰۸۱). این سه خود ریشه و سرمنشا سایر آفات اخلاقی چون شهوت، پیروی از هوای نفس، بخل، کینه، خشم و... می‌باشند که همانگونه که بیان شد خود نشأت گرفته از حب دنیا هستند.

تقلید بدون تحقیق: عقاید و آرای پوچی که از کودکی تا دوران بلوغ به طور القایی یا تلقینی یا تقلید بدون تحقیق در زمینه‌های مختلف نفس را گرفتار ساخته است از حجاب‌هایی است که مانع کمال نفس است. حتی ممکن است حتی شخص فرمانبرداری که شهوات خود را نیز تحت فرمان در آورده چیزی از مطلوب در او کشف نشود، به خاطر باورداستی که از کودکی به تقلید یا در اثر حسن ظن قبول نموده است و این باور میان او و حقیقت چون پرده‌ای مانع انکشاف چیزی جز همان باور تقلیدی می‌گردد (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۶۵، ترجمه بیدارفر: ۱۶۴).

تهذیب نفس

وجود غرائز جسمانی و تمایلات فطری موجب پیدایش دو جبهه متضاد درونی و زمینه ظهور اراده و اختیار در فرد می‌شود، از آنجا که فعالیت غریزی در پرتو تربیت طبیعی تحقق می‌یابد بدون تربیت سالم و کامل انسانی اختیار و انتخاب آدمی همواره به طرف غرائز گرایش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر بدون تربیت علمی و انسانی طبع آدمی همواره به طرف نیازهای غریزی تمایل دارد (هاشمی، ۱۳۷۲: ۳۳). کشش‌ها و کشمکش‌های نفسانی، توازن عقل را بر هم می‌زند و عقل را در حیطه نظر و اندیشه و در حیطه عمل و کردار به خطا می‌رانند. از این رو بخشی از روش‌های

تربیتی، باید به مهار طغیان‌های نفسانی اختصاص یابد (باقری، ۱۳۸۸: ۲۰۵). زیرا تا زمانی که نفس از شهوات دوری نگزیند و ازین لذات حیوانی نپرهیزد ذات نورانی خود را نبیند و درهای آسمان بر او گشوده نگردد.

نفس انسانی همانند لوحی نقش پذیر از علوم الهی می‌باشد؛ البته برای بالفعل شدن این نقش‌های الهی طهارت نفس لازم است و باید ابتدا نقش‌های فاسد زدوده شود. برای حصول این هدف عبادات و دوری از معاصی زمینه را برای نقش صفات حسنه و ملکات الهی آماده می‌سازد و بالعکس گناهان و معاصی موجب زدودن نقش‌های الهی و تثبیت نقش‌های شیطانی می‌گردد (واعظی، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

نفس در سیر تکاملی خود به سوی عالم مجردات هرچه از نقصان و ظلمانیت عالم ماده دور گردیده و به نورانیت عالم عقول نزدیک‌تر گردد، سعی وجودی بیشتری پیدا کرده، نتیجه ظهور و حضور حقایق در او بیشتر می‌گردد (کدیور و فخار نوغانی، ۱۳۸۷: ۳۷).

تهذیب نفس انسانی که با تعابیر مختلفی نظیر تطهیر، تزکیه، ریاضت و سلوک از آن یاد شده، عبارت است از مجموعه‌ای از اعمال، کوشش‌ها و مجاهداتی که به نفسه مورد نظر نمی‌باشند، بلکه عامل و ابزاری است برای رفع موانع و حجاب‌هایی که بین انسان و کمال خاص وی قرار دارند و به شکل‌های مختلف سلبی و ایجابی تحقق می‌یابند؛ یعنی گاه ترک افعالی موجب تهذیب نفس می‌گردد و گاه انجام افعالی (نوروزی، ۱۳۸۶: ۱).

بنابراین در سلوک راه آخرت و در مسیر رو به کمال، شرایطی هست که به منزله وسایل نجات از رهنان این طریق و حصار اطمینانی است که باید در آن جای گرفت.

ملاصدرا در بحث حجاب‌های میان نفس و حق، گذشته از گم کردن سمت و سوی حق و حقیقت و نواقص نفسانی، مال و مقام، تقلید و معصیت را مد نظر قرار می‌دهد. در این قسمت روش‌های تربیتی برای از بین رفتن این حجاب‌ها توصیه می‌شود:

مجاهدت

یکی از حجاب‌های نفس تقلید بدون تحقیق بود که چاره‌ی آن مجاهدت است. یعنی حقیقت امر را باید بدون تقلید کورکورانه و با مجاهدت نه مجادله بدست آورد (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۶۵، ترجمه بیدارفر: ۱۶۴).

ملاصدرا بر علیه هرگونه محدودیت‌های علمی و به خصوص با زنجیرهای تقلید و تعبد و اسارت‌های فکری که از ناحیه‌ی پیروان مشاء بر دست و پای عقول بسته شده بود مبارزه نموده و با ضربت‌های مخصوص خود ریشه و اصل و فرع فلسفه آنان را بر باد فنا داده است. او در موارد بی شماری از کتاب خود تصریح نموده که بایستی خود شخص در مطالب، نظر تحقیقی داشته و بدون رسیدگی و تجزیه و تحلیل شخصی به آراء مورد اتفاق و رایج اعتماد نداشته باشد. ملاصدرا معتقد است که مرد جوینده حقیقت و عاقل کسی است که شخصاً در صدد تفتیش و تحقیق برآید تا حقیقت برایش آشکار گردیده و به مرتبه وضوح رسیده و هیچ گونه شبهه‌ای در دلش باقی نماند (مشکوه الدینی، ۱۳۴۵: ۱۳). ملاصدرا معتقد است عقاید و گرایش‌هایی که بیشتر مردمان تنها از راه تقلید و یا گفتگوهای مجادله آمیز که متعصبین روش‌های مختلف نوشته و به آنان القاء نموده‌اند، به دست آورده و پیوسته برآند، بزرگ‌ترین حجاب و پرده است (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۷۱، ترجمه خواجه‌جوی: ۲۲۰).

نفس انسانی مادام که از پرده‌های دانش تقلیدی که از گفتار علمای ظاهر به دست آمده، صافی و از افکار نظری که از به کار گرفتن منطق به دو ابزار وهم و خیال برای عقل فکری حاصل می‌آید پاک نگردد، دارای بینش در الهیات و بلکه در تمامی دانش‌ها نشده و آماده فتح الهی نمی‌گردد (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۷۱، ترجمه خواجه‌جوی: ۱۹۷). براین اساس فعالیت‌های تربیتی باید ذهن و رفتار دانش‌آموزان را از تقلید کورکورانه از سایرین، اعم از والدین، معلم و سایر دانش‌آموزان پاک کرده و شرایط تقلید صحیح را به او بیاموزد. اهمیت تحقیق و تفحص در امور باید مورد

توجه قرار گرفته شود و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی باید خودیادگیری دانش‌آموزان را افزایش دهد.

اما معنای مجاهدت به همین جا ختم نمی‌گردد بلکه با توجه به قوای نفس حیوانی و انسانی معنای ریاضت را نیز شامل می‌گردد. با توجه به آنچه شرح داده شد مجاهدت در تهذیب نفس جنبه سلبی و ایجابی دارد که طی مراتب مختلف عقل عملی در راستای کمال عقل نظری شرح داده خواهد شد.

کمال عقل عملی در راستای کمال عقل نظری

بالاترین مرتبه کمال نفس، رسیدن به عقل مستفاد است. شایان ذکر است که این کمال برای آدمی در جنبه عقل نظری حاصل نمی‌شود مگر با گذشتن از خود طبیعی و پیمودن مراتب عقل عملی (صدرالمतालین شیرازی، ترجمه خواجه‌ی، ۱۳۶۳: ۸۶۴). مراتب کمال عقل عملی بر اساس تهذیب شکل می‌گیرد. ملاصدرا هر یک از مراتب عقل عملی را بر اساس استکمال عملی نفس بیان کرده و راه یابی به مراتب کمال عقل نظری را در گرو تحقق این مراتب دانسته که همه آنها بر پایه تهذیب نفس استوارند. نکته حائز اهمیت در این تقسیم آن است که همه مراتب نفس فقط در صورت تهذیب به کمال مطلوب نائل می‌شوند. مراتب چهار گانه مذکور به ترتیب تجلیه، تخلیه، تحلیه، و فنا نامیده می‌شود (قربانی، ۱۳۸۷: ۲۰) و بر این اساس تردیدی نیست که تکمیل نفوس و دستیابی به کمال نهایی و سعادت واقعی بشر به طی «مراحل خودسازی» بستگی دارد.

مرحله تجلیه

از نگاه ملاصدرا این مرحله تهذیب ظاهر به وسیله انجام عبادات و دوری از گناهان را شامل می‌شود (قربانی، ۱۳۸۷: ۲۰).

مرتبته تجلیه و اصلاح ظاهر ارتباط عمیقی با ریاضت جسمانی دارد. قوه حیوانی که مبدء ادراکات و افعال حسی در انسان است، اگر ریاضت نکشد و فرمانبردار روح نگردد، قوه ناطقه را در اهداف حیوانی خود به خدمت می‌آورد، اما اگر قوه عاقله او را ریاضت دهد، از تخیلات، توهمات و افعالی که مهیج و محرک شهوت و غضب اند بازداشته و آن را بر آن گونه که عقل عملی اقتضاء

می‌کند مجبور می‌نماید. پس هنگامی که قوه حیوانی فرمانبردار عقل گشت، تمامی قوا از او پیروی می‌نمایند. ریاضت نوعی مجاهده و کوشش است به معنای منع خواسته‌ها و خوشامدها و شامل دو قسم است: جسمانی و روحانی.

ریاضت جسمانی نیز خود دو نوع است: داخلی و خارجی. ریاضت جسمانی خارجی عبارتست از جنگ با دشمنان خدا و ستیز با از دین برگشتگان. ریاضت جسمانی داخلی دو دسته‌اند: امانت (دور کردن) و اتیان (حاضر نمودن). امانت عبارتست از پاک کردن بدن از آزار و پلیدی‌های حسی؛ اتیان (حاضر نمودن) بر دو نوع است: مالی و بدنی: منظور از مالی دور کردن مال از خزینه دل است در اعمالی چون حج و زکات (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۷۱، ترجمه خواجه‌جوی: ۱۰۷۸-۱۰۷۷). شکی نیست که اصل سرکشی قوا و نافرمانیشان از اطاعت خدا به یکی از دو امر است: نخست عبارت از میل و کشش آنهاست به شهوات و خواسته‌های حسی که با امور روحانی و اهداف عقلی تضاد و ناسازگاری دارد و دیگر آن که کسالت و کاهلی و کوتاهی از پیروی عقل و از بین بردن هریک از آن دو یا به قطع سبب و بریدن ماده آن است و یا به وارد نمودن ضد آن بر او و اصل اسباب رسیدن به شهوت مال است، چون به واسطه مال انسان توانایی دست یابی به هر چیز لذیذی را پیدا می‌کند، پس به واسطه ترک مال از تمامی اسباب شهوات دنیای بریده و قطع می‌گردد (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۶۲، ترجمه خواجه‌جوی: ۷۸-۸۸).

بنابراین اگر نفس تمامی توان خود را در راه طاعت‌های بدنی و یا تهیه‌ی اسباب زندگی دنیا به کار گیرد و فکر خود را به تامل در حقائق الهی صرف نکند از حق و حقیقت دور خواهد شد. چون نفس از دیدن عالم حقیقت نابینا شود و با محسوسات سرگرم شود، در دریای شهوت‌ها غوطه ور می‌شود و خویش را فراموش می‌نماید. در این حال چیزی جز آن چه به حس در می‌آید دریافت نمی‌کند و چیزی جز آنچه با حواس ظاهری دریافت می‌دارد برای او اعتباری ندارد. حتی اگر به فکر امور اخروی نیز بیفتد آنها را هم مانند همین محسوسات و از جنس همین خوشی‌ها می‌پندارد. مال و مقام، دلبستگی‌ها و دل مشغولی‌های دنیوی را افزایش می‌دهند. به نظر صدرالدین

مال باید با بخشش از فرد دور شود، مگر آن مقدار که مورد نیاز است تا دلش بدان مشغول نگردد، چراکه حتی درهمی نیز به اندازه‌ی خود دل را مشغول می‌سازد. اما در مورد مقام، چاره کار تواضع و دوری جستن از موقعیت‌های جاه و مقام است.

نوع بدنی نیز بر دو قسم است، ترک و فعل را شامل می‌شود. اما ترک بر دو نوع است: ترک لازم مانند روزه و ترک متعدی مانند ترک درد رسانیدن به دیگری، دشنام دادن و یا بدگویی. اما فعل نیز بر دو نوع لازم و متعدی است. فعل لازم مانند نماز، ورد، تسبیح، طاعات و عبادات که آن هم به دو قسم روحی و جسمی تقسیم می‌گردد. جسم آن عبارت از حرکات محسوس و سکناات ظاهر و روح آن عبارت است از اخلاص کامل و نیت باطنی (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۷۱، ترجمه خواجه‌جوی: ۱۰۷۹).

مثلاً نماز جسمانی گرچه عبادتی بدنی است، ولی درست بودنش بستگی به معرفت معبود و ذکر نمودن به نام‌ها و صفاتی که شایسته اوست دارد، بلکه درستی و سلامت اعمال کامل نمی‌شود جز به نیت نزدیکی و تقرب به سوی خداوند تعالی و پیروی از فرمان او (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۶۲، ترجمه خواجه‌جوی: ۷۸).

در ریاضت جسمانی روش‌های اصلاح ظاهر، شامل تلقین و تحمیل برخی امور به نفس و قوای بدنی، آدمی را در راستای ملکه شدن آن امور و رسوخ در باطن وجود وی یاری می‌دهد (مطهری، ۱۳۶۰). این دسته از روش‌ها ناظر به تدبیر وضعیت‌های بدنی، اقوال و اعمال آدمی است. تلقین به نفس به این معناست که از طریق تلقین قولی و زبانی، تلقین فعلی و تلقین قولی - فعلی تغییری به مقتضای آن‌ها در نفس پدید آید. تلقین قولی حاکی از موقعیتی است که گفته‌های فرد، بسته به منفی یا مثبت بودن آن، حالات منفی یا مثبت در نفس به وجود می‌آورد. بنابراین تلقین قولی مثبت در امر تعلیم و تربیت توصیه می‌گردد. در روش تلقین فعلی، مقصود این است که صورت یک فعل مطلوب به نحو تظاهر بر اعضا و جوارح فرد آشکار شود، و یا صورت فعلی نامطلوب را از خود دور کنیم. هرگاه دو گونه تلقین قولی و فعلی در هم آمیزند، تاثیری مضاعف به بار می‌آورند که برجسته‌ترین این آمیختگی نماز است (باقری، ۱۳۸۸: ۹۷-۹۳). بنابر مطالب پیش گفته، انجام

عبادات و تکالیف الهی تاثیر زیادی در تکامل نفس آدمی و رسیدن او به قرب الهی دارد و نتیجه اعمالی همانند روزه، نماز، حج و... باعث از بین رفتن امراض درونی قلب و نفس و پاک کردن زنگار صفات ناپسند می گردد و همین گونه نیز انجام دادن اعمال خلاف شرع و ناپسند تاثیر شگرفی بر سقوط انسان و شقاوت و بدبختی او دارد (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۲۷). به طوری که مثلا روزه قوه شهوت را کم می کند و حج تمسک روح به حضرت حق و زدودن محبت وطن و کعبه مقصود است. زکات، صرف توجه نفس از دنیا به آخرت است. جهاد، دفع دشمنان خدا و متوجه کردن نفس است به اینکه جان و مال و اهل و ولد را در راه خدا صرف کند و روح را از دنیا منقطع و متوجه عقبی نماید (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ترجمه مصلح، ۳۷۰-۳۶۸).

از طریق این روش ها می توان از طریق تغییر و تدبیر ظواهر فرد، حالات باطنی را در وی به وجود آورد و حالات نامطلوب را از بین برد، یا این که فرد، خود با به کار بستن این فنون، ظواهرش را دستکاری کند تا خود را در معرض حالات باطنی معینی قرار دهد.

نکته مهم در این جا این است که تمام عادات، موجب رشد و شکوفایی انسان نمی گردند و بعضی از عادات، ناپسند هستند و بدبختی و شقاوت فرد را رقم می زنند. یک نظام تربیتی کامل باید زمینه های لازم برای رسیدن به عقل نظری و عملی به غایات خود را فراهم نمایند. یکی از این زمینه ها فراهم کردن شرایط لازم برای ایجاد ملکات و عادات نیک، طاعات و عبادات است.

براین اساس نظام آموزشی و تربیتی باید عادت به آموزش و عادت به انجام طاعات و عبادات را در فرد ایجاد کند تا از طریق عادت به یادگیری آن ها، حکمت نظری و از طریق ایجاد عادت به انجام آن ها بخش عملی در افراد حاصل آمده و از مجموعه این دو حکمت، شخص را به هدف نهایی خویش برساند.

مرحله تخلیه

این مرحله حاکی از پاک کردن درون از رذایل است (قربانی، ۱۳۸۷: ۲۰).

مهم‌ترین روش اصلاح باطن برای تاثیر گذاری بر ظاهر، اعطای بینش و نگرش‌های کلی نسبت به هستی، آدمی و نیز اوضاع پیرامونی وی است. این بینش‌ها می‌تواند در درون فرد، ایجاد تحول نماید و باعث دگرگونی باطن وی گردد.

مرحله تحلیله

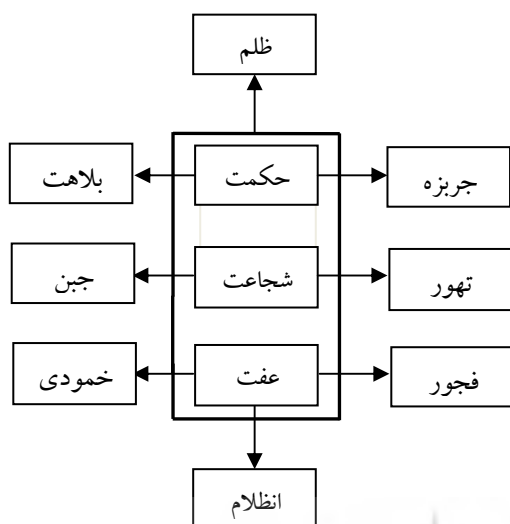
این مرحله بیانگر مشاهده صورت‌های علمی از دیدگاه ملاصدرا است و مرتبه سوم عقل عملی. بنابراین نوع تحلیله تنها به تحصیل فضایل و معارف نظری حاصل می‌گردد، و فایده آن تخلق و خو گرفتن به اخلاق زیبایی الهی است (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۷۱، ترجمه خواجه‌جوی: ۱۰۸۳). همان‌گونه که توضیح داده شد اعمال انسان، تصفیه نفس را نتیجه می‌دهد. اما این نتیجه امری نیست که به خودی خود دارای ارزش باشد؛ زیرا تخلیه امری عدمی است نه وجودی. یعنی اعمال صالح انسان موجب تخلیه رذایل و خبیثات از عرصه دل می‌شوند و خالی شدن نفس از امور زشت و پلید به تنهایی فضیلت و مرتبه‌ای مستقل برای نفس نیست و فقط مقدمه قرار گیری آن در مراتب کمالی به شمار می‌رود. از این رو ملاصدرا می‌گوید:

«تهدیب نفس به خودی خود مقصود نیست بلکه مقدمه‌ای برای رسیدن به کمالات برتر است؛ از جمله اینکه معارف حقیقی در باب جلال الهی در ذات و صفات او برای انسان حاصل شود. بنابراین سلوک معنوی بدون کسب دانش و معرفت، چیزی جز وبال نیست، چراکه این روند از سلوک موجب می‌شود خواطر وهمی و وسوسه‌های نفسانی و شیطانی شدت یابند و سالک را از مسیر الهی و هدایت خارج گردانند» (قربانی به نقل از صدرالمتالهین، ۱۳۸۷: ۲۳).

از دیدگاه ملاصدرا مرحله تحلیله به همراه تزکیه از ریاضت روحانی حکایت می‌کنند. منظور از تزکیه رها شدن از پلیدی‌های قواست که اصل و مادر همه آن‌ها دلبستگی به کالای دنیا و زینت‌های آن است (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۷۱، ترجمه خواجه‌جوی: ۱۰۸۲-۱۰۸۱). بنابراین اعتدال‌گرایی در این میان اهمیت می‌یابد.

اعتدال گرایی

داشتن اعتدال به معنی مواظبت بر حد وسط در امور؛ از جمله مهم‌ترین اهداف تربیتی است که دو حد افراط و تفریط در مقابل آن قرار دارد. با توجه به این که وجود خود انسان متشکل از جسم و روح است، در این زمینه اعتدال به معنی معطل نگذاشتن یک بعد و توجه به هر دو بعد جسم و روح است. به علاوه ملاصدرا معتقد است که تمامی پستی‌ها و پلیدی‌هایی که نفس دچار آن‌ها می‌شوند از قوای شهوت و غضب و قوه مدبره که اداره امور حیات بدن را می‌نماید ناشی شده است و هر یک دارای دو درجه افراط و تفریط اند، و میانه آن‌ها (شجاعت، عفت و حکمت) راه راست خواهد بود (صدرالمতالهین شیرازی، ۱۳۷۱، ترجمه خواجوی: ۱۰۸۳). عدالت کیفیتی است که از عفت که از حد واسط بین افراط در قوه شهوی که فجور نامیده می‌شود و بین تفریط این قوه که از آن به خمودی یاد می‌شود، حاصل می‌آید و شجاعت حد واسط بین افراط قوه غضبی که تهور نامیده شده، و بین تفریط آن که جبن نام دارد، قرار گرفته است و حکمت که حد وسط بین دو طرف قوه ادراک آدمی، که جربزه و بلاهت باشد، است و عدالت نیز از حد وسط بین ظلم و انظلام که از افراط بعضی قوا و تفریط بعضی پیدا می‌شود، حاصل می‌گردد (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۶۲، ترجمه رجب زاده: ۹۱).

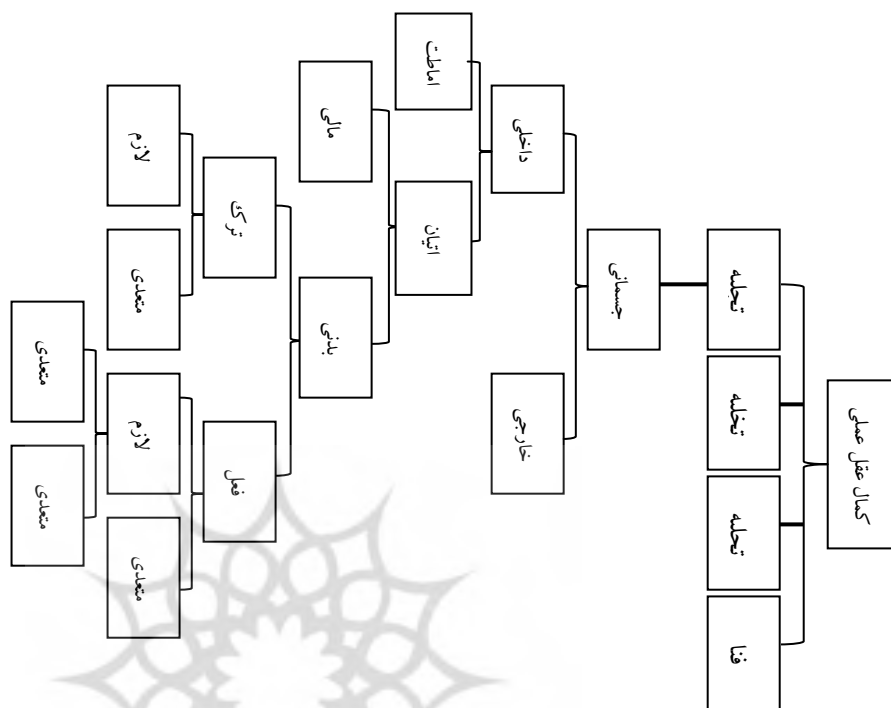


شکل ۴-۲: معنای اعتدال

منبع: مولف

مرحله فنا

حکیم بزرگوار «صدرالمتالهین» می‌نویسد: «فنا عبارت است از ترک التفات و قطع نظر از غیر خدا و توجه تام و تمام به سوی پروردگار متعال» (شفیعی مازندرانی، ۱۳۷۲: ۱۴۵).
 بدین سان کمال نهایی زمانی برای نفس حاصل می‌گردد که بعد از گذر از مراتب اولیه عقل نظری (عقل هیولایی و بالملکه) که عالم محسوسات را در بر می‌گیرند، برای رسیدن به مرتبه عالی تر یعنی عقل بالفعل، پیوند بین عقل نظری و عقل عملی صورت گیرد. به عبارت دیگر کمال نهایی نفس در گرو کمال عقل نظری است و عقل نظری نیز با کامل شدن عقل عملی می‌بالد. عقل عملی نیز که متکفل امور بدنی است با تهذیب نفس به کمال می‌رسد. بدین ترتیب انسان باید با رفع موانع موجود در مسیر رسیدن به کمال گام بردارد که شامل رفتارها و انجام افعال (واجبات) و گاه ترک افعال (محرمات) می‌باشد. سپس با تحصیل شرایط و تحقق اموری که زمینه ساز و عامل نیل به کمالند پردازد.



مراتب عقل عملی

منبع: مولف

توبه

و اما حجاب‌های ناشی از معصیت و گناه را باید با توبه چاره کرد. از نظر ملاصدرا توبه یعنی: «تصمیم بر عدم بازگشت به گناه و پشیمانی بر گذشته و رد مظالم و راضی نمودن کسانی که بر آنان تعدی شده است. چراکه تا حجاب‌های معاصی بدین طریق رفع نشود محال است که باب مکاشفه بر سالک باز گردد» (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۶۵، ترجمه بیدارفر: ۱۶۵).

توبه از نخستین مراحل و منازل سلوک عرفانی و معرفتی است که آن را ساری در تمام مراحل استکمال می‌دانند. زیرا نقشی موثر و اساسی در آماده سازی نفس برای پذیرش و تحقق مراتب بالاتر کمال و درک حقایق منازل معرفتی و سلوکی داراست. با این که توبه به روشی عملی نزدیک تر است، اما با توجه به شرایط آن، که در کتب اخلاقی ذکر شده، مهم ترین کارکرد آن نظری و عقلی است، زیرا رکن اعمال (نیت) را تحت تاثیر قرار داده و بلکه در مراتبی از ذهن و دل به وقوع می‌پیوندد. علاوه بر توبه ارتقای علمی و توجه به مبانی عقلی نیز عامل و سببی موثر برای زدودن و خاموش کردن آتش معصیت‌ها و رذایل به شمار می‌رود. در واقع این دو عامل نقش آب برای خاموش کردن این آتش را ایفا می‌کنند (قربانی، ۱۳۸۷: ۲۰-۱۹).

از این رو ملاصدرا می‌نویسد:

«انسان کامل کسی است که آتش رذایل و نفسانیت را با آب «توبه» و «علم» خاموش گرداند. پیش از این که به جهان مجازات قدم بگذارد» (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۶۳، ترجمه خواجوی: ۱۹۳).

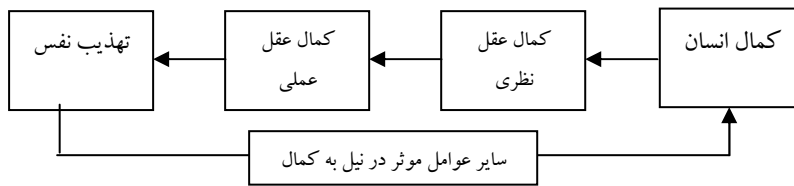
بدین ترتیب مراتب عقل عملی برای نیل به کمال مورد بررسی قرار گرفت. لیک یگانه طریق رسیدن به کمال، تهذیب نفس نیست. چنانچه نفس انسان از آغاز حیات، نفوس نباتی و حیوانی و انسانی را یکی پس از دیگری پشت سر می‌نهد با توجه به مراتب عقل نظری حس و تخیل نیز به عنوان مقدمات شکوفایی عقل اهمیت دارند. به علاوه فیض خداوند را نیز نباید نادیده گرفت. چراکه خداوند هر که را بخواهد به اوج عزت و کمال می‌رساند و هر که را نخواهد خیر. لیکن پرداختن به تمام این مقوله‌ها از حوصله این مقاله خارج بود و تنها بحث تهذیب نفس و برطرف نمودن حجاب‌های بین نفس و حقیقت مد نظر قرار گرفت.

نتیجه گیری:

انسان با وجود اقامتش در عالم ماده، دارای توانایی استعداد نیل به حقیقت و کمال خود می باشد. استعدادی که وجه ممیزه ی وی از سایر مخلوقات است، اما برای به فعلیت رسیدن این استعداد نیاز به وجود عواملی است. به این ترتیب که اولاً، وی باید به سببی از اسباب، به حقیقت و کمال خاص خود آگاه گردد. ثانیاً، با اختیار و آزادی، باید رسیدن به کمال خویش را طلب و قصد نماید، چراکه صرف آگاهی به کمال کافی نیست و ممکن است وی با وجود آگاهی از نیل به کمال خاصش منصرف گردد. ثالثاً علاوه بر وجود آگاهی و طلب برای رسیدن به مقصد نهایی خود، ملزم به انجام رفتارها، کوشش ها و مجاهداتی است که متناسب و در راستای رسیدن به کمال و هدف مورد نظرش می باشند.

با توجه به اینکه اصل کمال وجودی نفس بر پایه معنویت و تجرد از ماده و رهایی از نقائص بنا شده، جسم و دنیای مادی تنها وسیله ای برای نیل به کمال وجودی اوست و بدین ترتیب دلبستگی و توجه بیش از حد به آن، نفس را از پیوستن به عالم تجرد محض باز می دارد. از این رو، در مباحث تربیتی رفع حجاب های ظلمانی وابسته به دنیا و امور مادی، ضروری می نماید. با این اوصاف اهداف تربیت نفس در زمینه امور مادی و معنوی باید به صورتی باشد که همیشه مادیت در خدمت فزونی بعد معنوی نفس قرار گیرد نه اینکه مانع و حجابی برای وصول نفس به کمال حقیقیش باشد. از مطالبی که پیرامون اهمیت و کارایی تهذیب نفس ذکر شد، این نتیجه حاصل آمد که تهذیب نفس به علت تاثیری که در تحقق کمال نفس انسانی دارد، اهمیت و ضرورت می یابد. از آن جایی که کمال نفس در گرو کمال عقل نظری و کمال عقل عملی حاصل می شود و کمال عقل نظری و عقل عملی وابسته به یکدیگر بوده و کمال عقل نظری به واسطه پیوند با عقل عملی است در این پژوهش، مجاهدت، ریاضت، اعتدال گرایی، توبه و روش های جزئی تر برای رعایت مراتب تهذیب براساس مراتب عقل عملی در نفس ارائه گردید. به طور کلی کمال انسان به کمال عقل نظری اوست. کمال عقل نظری وابسته به کمال عقل عملی است و یکی از مهم ترین عوامل کمال عقل عملی تهذیب

نفس است. کارایی تهذیب نفس در این زمینه در رفع حجاب‌ها و موانعی است که در مسیر نیل به کمال انسانی موجود است و از آنجا که تحقق کمال مذکور علاوه بر رفع موانع موقوف به تهیه و وجود شرایطی نیز می‌باشد، تهذیب نفس در رابطه با مبحث کمال نفس انسانی علت ناقصه دارد.



تأثیر تهذیب نفس در کمال انسان

منبع: مولف



منابع و مأخذ

- اسدی، محمدرضا (۱۳۸۶). **حدیث آرزومندی: بررسی آرای انسان شناسانه هیدگر و ملاصدرا**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- باقری، خسرو (۱۳۸۸). **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**. ج ۱، تهران: انتشارات مدرسه.
- خامنه‌ای، محمد (۱۳۸۰). **نفس در حکمت متعالیه ملاصدرا، خردنامه صدرا**، شماره ۲۴، صص ۳۴-۴۲.
- خواجوی، محمد (۱۳۶۶). **لواعج العارفين**، تهران: انتشارات مولی.
- زکوی، علی اصغر (۱۳۸۴). **تحلیلی از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا در مسئله حدوث نفس، فصلنامه انجمن معارف اسلامی ایران**، سال اول، شماره ۲، صص ۱۱۹-۱۴۲.
- صالحی، صغری (۱۳۸۵). **عشق و نقش آن در تکامل وجودی انسان از دیدگاه احمد غزالی و ملاصدرا، پایان نامه کارشناسی ارشد، الهیات-فلسفه و کلام اسلامی**، دانشگاه اصفهان.
- صدرالمتالهین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۱). **مفاتیح الغیب**، ترجمه محمد خواجوی، تهران: انتشارات مولی.
- صدرالمتالهین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰). **شواهد الربوبیه**، ترجمه جلال الدین آشتیانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صدرالمتالهین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۵). **عرفان و عارف نمایان ترجمه‌ی کسر اصنام الجاهلیه**، ترجمه محسن بیدارفر، تهران: انتشارات الزهرا.
- صدرالمتالهین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳). **تفسیر سوره واقعه**، ترجمه محمد خواجوی، تهران: انتشارات مولی.
- صدرالمتالهین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۲). **تفسیر سوره‌های طارق، اعلی و زلزال**، ترجمه و تعلیق محمد خواجوی، تهران: انتشارات مولی.

صدرالمتالهین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۲). **تفسیر سوره سجده**، ترجمه رضا رجب زاده، تهران: کانون انتشارات محراب

صدرالمتالهین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰). **الشواهد الربوبیه**، تعلیق، تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، مشهد: مرکز نشر دانشگاهی.

مصلح، جواد (۱۳۵۲). **علم النفس یا روانشناسی صدرالمتالهین ترجمه و تفسیر از سفر نفس کتاب اسفار**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

قربانی، قدرت الله (۱۳۸۷). روش‌های تزکیه نفس از نظر ملاصدرا، **مجله معرفت**، سال هفدهم، شماره ۱۲۸، صص ۳۸-۱۵.

کدیور، محسن؛ فخارنوغانی، سعیده (۱۳۸۷). مشاهده عقلی در معرفت‌شناسی ملاصدرا، **فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز**، پیاپی ۲۸، ۵۰-۳۱.

مشکوه الدینی، عبدالمحسن (۱۳۴۵). **تأثیر و مبادی آن با کلیات فلسفه طبیعی صدرالدین شیرازی ملاصدرا**، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.

مصلح، جواد (۱۳۵۲). **علم النفس یا روانشناسی صدرالمتالهین، ترجمه و تفسیر از سفر نفس کتاب اسفار**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۰)، **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران: انتشارات حکمت.

نوروزی، طاهره (۱۳۸۶). **تأثیر تهذیب نفس بر معرفت از دیدگاه ملاصدرا و ابن عربی، پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی**، دانشگاه اصفهان.

واعظی، حسین (۱۳۸۵). **مرغ باغ ملکوت: نفس از دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا**، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

هاشمی، مجتبی (۱۳۷۲). **تربیت و شخصیت انسانی**، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.